

ارزیابی آمریکایی‌ها از زندگی شخصی امام خمینی(ره)

۵ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۱۸

پنج نفر از آقایانی که از امریکا برای دیدن حضرت امام آمده بودند و به نظر می‌رسید که برای ارزیابی زندگی شخصی امام آمده باشند در ارزیابی با تعجب گفتند: «مگر می‌شود انسانی بتواند حتی مسائل فیزیکی وجودش را به کنترل خود درآورد؟»

مرضیه حدیدچی معروف به دباغ از جمله زنان مسلمان و پیشرو است که آگاهانه و معتقدانه پای به میدان مبارزه گذاشته است. در جریان مبارزه پس از دستگیری مکرر احتمال داشت با دستگیری بعدی محکوم به اعدام شود به همین دلیل از کشور خارج شد. بعد از هجرت امام به پاریس به دیدار امام شتافت. و با صلاح‌دید دیگر مبارزان در کارهای منزل به خانواده امام کمک می‌کرد. در کتاب خاطرات مرضیه حدیدچی به کوشش محسن کاظمی آمده است. به دلیل نزدیکی و حضور در بیت امام خواسته و ناخواسته شاهد صحنه‌ها و رفتارهایی بی‌بدیل از امام بودم، برخوردها، رفتارها و سخنانی که انسان را به شگفتی وامی‌داشت، از غذا خوردن و خوابیدن تا عبادت و سیاست، و این همه از یک نظم و دقت زمانی خاصی برخوردار بود و از یک برنامه‌ریزی معین و مشخصی که مختص امام بود تبعیت می‌کرد.

نظم و برنامه جزء لاینفک زندگی این مرد بزرگ تاریخ بود. نمی‌شد یک بار سراغ او را بگیری مثلاً بگویند که برای تجدید وضو رفته است. وضوی ایشان وقت و زمان خودش را داشت و آنان که در معیت او و بیتش به سر می‌بردند، از آن آگاه بودند.

پنج نفر از آقایانی که از امریکا برای دیدن حضرت امام آمده بودند و به نظر می‌رسید که برای ارزیابی زندگی شخصی امام آمده باشند از من که داخل بیت بودم خواستند مصاحبه‌ای با آنها انجام دهم. در حین مصاحبه ساعت تجدید وضوی امام فرا رسید و من باید می‌دیدم که آیا دستشویی تمیز و مرتب است یا خیر، لذا به آقایان گفتم که چون این وظیفه به عهده‌ام می‌باشد باید بروم آقایان گفتند: «مگر می‌شود انسانی بتواند حتی مسائل فیزیکی وجودش را به کنترل خود درآورد؟»

«مگر می‌شود انسانی بتواند حتی مسائل فیزیکی وجودش را به کنترل خود درآورد؟»

گفتم: «بله! چون شما امام را نمی‌شناسید.» و برای اثبات حرفم به آنها گفتم می‌توانم پنجره آشپزخانه را باز گذارم و شما تا چند

دقیقه دیگر که امام به طرف دستشویی می‌روند، ایشان را از پنجره ببینید من به کار خود بازگشتم و آنها به حیاط آمدند و در همان دقیقه‌ای که گفته بودم، اما را دیدند که برای تجدید وضو می‌رفتند. بعد از انجار کار، برای ادامه مصاحبه برگشتم. برایم جالب بود که دیدم آنها در اتاق مصاحبه نیستند. از برادران سؤال کردم این آقایان آمریکایی کجا رفتند. برادران گفتند آن چه را که خواستند، فهمیدند و مشغول جمع کردن وسایلشان برای برگشت هستند.

حضرت امام رأس ساعت ۹ شب شام می‌خوردند. یک شب قرار بود برادران نوار فیلم سخنرانی شهید مفتاح در مسجد قبا و نیز راهپیمایی مردم را ببینند، ساعت این برنامه با برنامه شام امام تلاقی داشت و من که دوست داشتم آن فیلم را بینم کمی زودتر خدمت امام رسیدم و پرسیدم «حاج آقا شام را بیاورم؟» ایشان نگاهی به ساعت کردند و فرمودند «نه! هنوز ده دقیقه مانده است.»

از این قبیل موارد بسیار است. مثلاً ساعت ۱۱ شب، ساعتی بود که امام به رختخواب می‌رفتند و رأس ساعت ۳ (بامداد) بیدار می‌شدند و به قرائت قرآن و دعا و نماز، دل می‌سپردند. اتاق ایشان رو به حیاط بود، و از آن جا که حفاظت اندرونی به من واگذار شده بود من نیز شب‌ها پشت در همین اتاق می‌خوابیدم و خیالم راحت بود که آسیبی به امام نمی‌رسد. با بیدار شدن امام، صدای خش خش و به هم خوردن کاغذ و یا صدای خفیف نماز و مناجاتشان را می‌شنیدم. به یاد ندارم که حتی یک بار ساعت بیداری امام به هم بخورد مثلاً خواب بماند و پانزده دقیقه بعد بیدار شوند. درس رأس ساعت ۳ (بامداد) بیدار می‌شدند.

حضرت امام بعد از نماز صبح، صبحانه میل می‌کردند و بعد مقداری قرآن می‌خواندند، سپس ملاقاتها و دیدارهایشان شروع می‌شد و تا ساعت ۱۱ صبح ادامه می‌یافت و در بین آن از ساعت ۹ تا ۹:۲۰ در بالکن قدم می‌زدند. در ساعت ۱۱ صبح ده تا پانزده دقیقه به اتاقی که در پشت اتاق ملاقاتها و مختص خودشان بود می‌رفتند و من برایشان چای و گاهی میوه می‌بردم، جالب این که امام آن چند دقیقه را که صرف چای و میوه می‌کردند می‌فرمود ببه خانم هم بگویید بیایند. شاید می‌خواستند وقتی را که به خودشان اختصاص داده بودند، بدون ایشان سر نکنند. پس از استراحت کوتاه دوباره مصاحبه و یا ملاقات داشتند، نزدیک ظهر برای تجدید وضو می‌رفتند و نماز را هم در محوطه بیرونی در جایی که چادری افراشته شده بود می‌خواندند. گاهی بعد از نماز صحبت می‌کردند. سپس برای صرف ناهار می‌رفتند. غالب اوقات ناهار آبگوشت بود ولی شبها شام سبکی مثل نان و سبزی و پنیر و گردو میل می‌کردند.

حضرت امام پس از صرف ناهار قدری استراحت می‌کردند و بعد برنامه‌های مختلفی مثل مطالعه کتاب، روزنامه و اخبار ترجمه شده داشتند و ... امام خیلی به شنیدن اخبار داخلی و خارجی علاقه‌مند بودند و تمام اخبار و وقایع آن را پی‌گیری می‌کردند، تا مطلبی جا نماند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۴۳۹/ارزیاپی-آمریکایی-زندگی-ها>